

کرت‌نامه؛ ساختار و قالب

(بررسی ابیات بازمانده کرت‌نامه در تاریخ‌نامه هرات)

خلیل‌الله افزلی^۱

چکیده

کرت‌نامه مثنوی‌ای حماسی به اسلوب شاهنامه فردوسی است که ربیعی پوشنگی (۷۰۲ - ۶۷۱ ق.) آن را به دستور ملک فخرالدین کرت (حک. ۷۰۶-۶۹۷ ق.) در موضوع تاریخ آل کرت سروده است. این اثر اکنون از میان رفته و از آن اطلاعات اندکی در دسترس است. تنها منبع آشنایی با این مثنوی و سبک و سخن ربیعی، تاریخ‌نامه هرات (۷۲۱ ق.) نوشته سیفی هروی است که اندکی بیش از ۲۵۰ بیت از این منظومه به همراه داستان سرگذشت ربیعی در آن نقل شده است. در این جستار به منظور آشنایی با ساختار و قالب کرت‌نامه، به بررسی و تحلیل ابیات بازمانده از این مثنوی در تاریخ‌نامه هرات پرداخته‌ایم. **کلیدواژه‌ها:** کرت‌نامه، صدرالدین ربیعی، آل کرت، مثنوی حماسی، تاریخ‌نامه هرات.

مقدمه

آل کرت^۱ نزدیک به صد و چهل سال از میانه سده هفتم تا اواخر قرن هشتم هجری (۷۸۳-۶۴۳ ق.) در هرات و توابع آن حکومت کردند. با آن که چندین اثر در روزگار این سلسله و پس از آن‌ها به ثبت کارکردهای زمامداران این خاندان و وقایع آن روزگار پرداخته‌اند، باز هم از اوضاع فرهنگی و ادبی آن عصر تصویر روشنی در دست نیست. یکی از آثار منظومی که به تاریخ این سلسله پرداخته بود، اثری موسوم به کرت‌نامه سروده شاعری با نام صدرالدین ربیعی پوشنگی بوده است. این اثر اکنون از میان رفته و از ویژگی‌های آن از جمله زمان سرایش، تعداد ابیات، ساختار و چهارچوب، کامل یا ناکامل بودن آن و ... اطلاع چندانی نداریم. در ایران نخستین بار محمدتقی بهار

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد khalil.afzali@gmail.com

به سال ۱۳۰۴ خورشیدی در مجله *ارمغان* به معرفی این شاعر گمنام پرداخت و هشت سال پس از آن، عباس اقبال در مجله *مهر دومین* مقاله را در معرفی ربیعی نگاشت. تتبع در خصوص ربیعی و *کرت‌نامه* در اثر ارزشمند *حماسه‌سرایی در ایران* (۱۳۲۰ ش.) فقط نیم صفحه را به خویش اختصاص داد که دارای چندین سهو تاریخی^۲ بود، اما همین بررسی ناقص و مختصر، به منبع مورد اعتمادی برای پژوهش‌های بعدی پیرامون *کرت‌نامه* و سراینده‌اش تبدیل شد (رزمجو، ۱۳۸۱: ۲۱۲/۱).

در افغانستان بار نخست در سال ۱۳۲۲ ش. سرور گویا اعتمادی در مطلبی با عنوان «شعرای دربار ملوک کرت» در مجله *آریانا* از ربیعی یاد کرد. سه سال پس از این، عبدالحی حبیبی این بار مقاله‌ای به ربیعی اختصاص داد و در همان مجله منتشر کرد. اما به نظر می‌رسد که در خصوص *کرت‌نامه* تا آنجا که مطالعه و بررسی ما نشان می‌دهد، تحقیق جداگانه‌ای صورت نگرفته است؛^۳ جز این که رضا مایل هروی، ابیات بازمانده از این مثنوی را در بخش تعلیقات رساله *طریق قسمت آب قلب* به چاپ رسانیده است (ابونصری هروی، ۱۳۴۷: ۱۴۴-۱۳۱).

ذکر این کتاب و سراینده آن، در سرگذشت‌نامه‌ها و کتاب‌شناسی‌ها^۴ نیامده است. تنها منبع اطلاع ما در خصوص این کتاب، سیفی هروی است که در *مطابقی تاریخ‌نامه هرات*، ۲۶۸ بیت از این مثنوی و نیز ذکر احوال شاعر را گنجانیده است (سیفی، ۱۳۵۲: ۴۵۶-۴۴۸). بیشتر تاریخ‌نگاران عصر تیموری از این شاعر یاد کرده‌اند که گزارش‌هایشان در مجموع، بازنویسی مطالب سیفی است. تنها فصیحی خوافی گزارشی متفاوت به دست می‌دهد، او البته از مثنوی *کرت‌نامه* یاد نکرده است (فصیحی خوافی، ۱۳۸۶: ۸۷۸/۲-۸۷۴). نویسنده *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات* در یک موضع، از این کتاب و نویسنده و موضوع آن سخن گفته و در دو جای دیگر ابیاتی از این مثنوی را نقل کرده است (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۴۲/۱، ۲۶۰ و ۱۳۳۹: ۷۴/۲-۷۳).

ابیات بازمانده از این مثنوی، نماینده قوت طبع سراینده آن است. سیفی هروی در *تاریخ‌نامه هرات* (۱۳۵۲: ۴۷۱) شعر ربیعی را ستوده است. نویسنده *مونس‌الاحرار فی دقائق الأشعار* (۷۴۱ ق.) ضمن نقل قصیده‌ای از ربیعی، او را ملک الافاضل و الشعرا خوانده است (الجاجرمی، ۱۳۳۷: لرض و لچ). برخی از پژوهشگران معاصر نیز به توصیف شاعری پسر خطیب فوشنج پرداخته‌اند (بهار، ۱۳۰۴:

۲۶ و ۳۸؛ صفا، ۱۳۲۰: ۳۵۸؛ مایل هروی، ۱۳۴۷: ۱۱۲). شعر ربیعی نشان می‌دهد که کرت‌نامه جز یکی از پرش‌های اساسی در مورد کرت‌نامه، تاریخ یا حماسه بودن این اثر است. از آنجا که متن کامل مثنوی از میان رفته، دشوار بتوان از بررسی ابیات پراکنده بازمانده، میزان تصرف هنری ربیعی را در تاریخ مشخص کرد. اما با توجه به منابع موجود می‌توان اندکی با ساختار کرت‌نامه آشنا شد.

ملک فخرالدین و ربیعی

سومین ملک کرت‌ها در هرات شخصی شاعر و سخن‌شناس به نام ملک فخرالدین بن ملک شمس‌الدین کهن بود. او ۴۰ شاعر نامدار در دربار خویش گرد آورده بود (همان: ۴۴۳؛ حافظ ابرو، ۱۳۸۹: ۸۱). ملک فخرالدین به سال ۶۹۵ ق. حکومت هرات را در حیات پدرش که در خیسه غور انزوا گزیده بود، به دست آورد و تا ۷۰۶ ق. فرمانروای کرت‌ها بود. صدرالدین ربیعی پوشنگی به فرمان این ملک مأمور به سرایش منظومه‌ای به وزن متقارب و به تقلید از شاهنامه فردوسی در ذکر تاریخ ملوک غور و مآثر امرای کرت و وقایع زندگی ملک فخرالدین با نام کرت‌نامه گردید. از همین رو، برخی از نویسندگان عهد تیموری، کرت‌نامه را از تواریخ هرات به شمار آورده‌اند (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۴۲/۱؛ ابونصری هروی، ۱۳۴۷: ۵).

صدرالدین ربیعی بلندآوازه‌ترین شاعر دربار کرت‌ها در اواخر سده هفتم، فرزند خطیب فوشنج^۵ بود. لقب او صدرالدین بود و در شعر، ربیعی تخلص می‌کرد (سیفی، ۱۳۵۲: ۴۴۸). سال تولد او (۶۷۱ ق.) از قصیده‌ای به دست می‌آید که در زندان به سال ۷۰۲ ق. جهت بخشایش به ملک فخرالدین کرت سروده و عمرش را سی و یک سال ذکر کرده است. در همین قصیده وی اذعان کرده که از چهارده سالگی در رکاب ملک فخرالدین به سر برده و شاعر دربار او بوده است.^۶ اگر هفت سال حبس ملک فخرالدین را در میانه سال‌های ۶۸۶ تا ۶۹۳ ق. در نظر بگیریم، ربیعی یک سال پیش از زندانی شدن ملک به دست پدر، یعنی در ۶۸۵ ق. به جمع ملازمان او پیوسته بود (اقبال، ۱۳۱۲: ۱۷۱). ملک او را مأمور سرودن تاریخ خاندان خویش کرد و هزار دینار شهریه برایش مقرر کرد که تا شش سال پرداخت شد. پس از مدتی، به سببی که روشن نیست، رابطه میان

شاعر و ملک به تیرگی گرایید. این تیرگی روابط را از چند بیتی که شاعر در آخرین سال‌های حیات خود در رثای امیر نوروز^۷ سروده می‌توان دریافت. ربیعی در دوازده بیت، این امیر را ستوده و سخت بر مرگ وی افسوس خورده است (سیفی، ۱۳۵۲: ۴۲۸ و ۴۲۹). هرات‌شناس برجسته فکری سلجوقی (۱۳۶۲: ۷۶)، تأخیر و تعلل در انجام فرمان ملک را باعث به هم خوردن روابط نزدیک میان ملک و شاعر می‌داند و این ادعا با توجه به فقدان اشعاری از کرت‌نامه در خلال وقایع سال‌های ۶۹۹ تا ۷۰۱ ق. در تاریخ‌نامه هرات درست به نظر می‌رسد.

شاعر پس از تیرگی روابط، هرات را ترک کرد. این سفر قطعاً پس از اواخر ربیع‌الاول ۷۰۱ ق. اتفاق افتاده که این از قطعه تاریخ‌داری از ربیعی در تاریخ‌نامه هرات (همان: ۴۴۸-۴۴۷) که حضور او را تا آن زمان در هرات ثابت می‌کند، بر می‌آید. او دوباره در پی دعوت ملک فخرالدین به هرات بازگشت. ملک که از شاعر کینه در دل پروریده بود، پس از چند ماه به بهانه‌ای او را دستگیر کرد و به حصار خیسه غور فرستاد (۷۰۲ ق.). ربیعی در زندان با سرودن قصیده‌ای از ملک پوزش خواست، اما جوابی نشنید. سپس مثنوی کارنامه را در شرح حال خود در زندان و طلب بخشش سرود که این بار نیز نتیجه‌ای برایش در بر نداشت. پس از این دیگر از سرنوشت او اطلاعی در دست نیست. سیفی از مرگ شاعر سخنی به میان نیاورده (همان: ۴۵۶-۴۴۸) اما به نظر می‌رسد که او پس از دستگیری، مدت زیادی در زندان نزیسته است. فصیحی خوافی سال ۷۰۲ ق. را سال درگذشت ربیعی دانسته و بخشی از قصاید و مثنوی‌هایی را که او از زندان به جهت بخشایش به ملک فرستاد، نقل کرده است (فصیحی خوافی، ۱۳۸۶: ۸۷۸/۲-۸۷۴). حافظ‌ابرو نیز در کتاب تاریخ سلاطین کرت که کار سیفی را تکمیل کرده و حوادث حکومت کرت‌ها را به صورت مختصر تا فتح هرات توسط تیمور (۷۸۳ ق.) و مرگ ملک غیاث‌الدین پیرعلی آخرین فرمانروای کرت هرات (۷۸۴ ق.) نوشته است، پس از ذکر ربیعی در ضمن حوادث سال ۷۰۲ ق. به مرگ او اشاره نکرده است که این خود تأییدکننده این مطلب است که او گزارش خود را از سیفی گرفته است. میرخواند و خواندمیر نیز نوشته‌اند که عمر ربیعی در آن حبس به پایان رسید و کس ندانست که او را به چه سان هلاک کردند (میرخواند، ۱۳۷۵: ۸۰۷/۴؛ خواندمیر، ۱۳۵۳: ۳۷۸/۳). در مجموع از اشعار ربیعی

۲۶۸ بیت از کرت‌نامه در تاریخ‌نامه هرات، ۵۸ بیت از کارنامه در مجمل فصیحی، ۳۴ بیت یک قصیده در مونس الاحرار و دو قصیده ناتمام در مجمل فصیحی و تاریخ‌نامه هرات بازمانده است.

کرت‌نامه

اسفزاری و نویسندگان *روضه‌الصفاء* و *حبيب‌السير* (که گزارش نویسنده دوم، تلخیصی از گزارش نخستین است) طوری از کرت‌نامه یاد کرده‌اند که گویا سرایش این اثر به پایان رسیده است (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۴۲/۱، میرخواند، ۱۳۷۵: ۸۰۷-۸۰۴؛ خواندمیر، ۱۳۵۳: ۳۷۸-۳۷۶). مصحح تاریخ‌نامه هرات نیز کار نظم کرت‌نامه را به دست ربیعی پایان‌یافته تلقی می‌کند (سیفی، ۱۳۵۰: ۹). همچنین محمدکاظم امام و به پیروی از او مایل هروی این اثر را کامل و دارای شش‌هزار بیت معرفی کرده‌اند (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۴۱/۱ و ابونصری، ۱۳۴۷: ۹۹). آن‌ها سندی برای اثبات این قول ذکر نکرده‌اند. عبدالحی حبیبی نیز از انجام کار نظم کرت‌نامه و تقدیم آن به ملک فخرالدین سخن گفته و بحث را به عطایای ملک و ناخرسندی ربیعی کشانده و از این حیث ناظم کرت‌نامه را هم‌سرنوشت فردوسی خوانده است (حبیبی، ۱۳۲۶: ۲). اما بر خلاف نظر پژوهشگران بالا، به نظر نمی‌رسد که ربیعی موفق به تکمیل کرت‌نامه شده باشد. سیفی از شش سال اشتغال به سرایش اثر یاد کرده اما از تقدیم آن به ملک هیچ سخنی به میان نیاورده است (سیفی، ۱۳۵۲: ۴۴۹). در روزگاری که ربیعی به زندان افتاد، کرت‌ها در اوج اقتدار بودند و ربیعی نیز در اوان جوانی بود. او شاید عجله‌ای برای اتمام کتاب نداشت. فکری سلجوقی (۱۳۶۲: ۷۶) نیز معتقد است که اثر نیمه‌تمام رها شده است. دلیلی دیگر که شاید بتوان فرضیه ناتمام بودن کرت‌نامه را به کمک آن تأیید کرد، سخنان ربیعی در مجلسی است که به دستگیری‌اش منجر شد. او در این نشست پس از آن که شراب نوشیده بود به یاران خویش وعده داد:

«... ای اصحاب اگر شما همه با من یک‌دل و یک‌عزم شوید، من به اندک روزگاری ولایتی را در ضبط آرم و مملکتی را مسخر سازم و خلقی را منقاد گردانم و هر یک از حاضران را نامی نهاد یکی را شهسوار اعظم و دیگری را سام دیوبند و یکی را پهلوان مشتزن و دیگری را مفتن

تیغ‌کش. بدین گونه هر تنی را به اسمی مسمی گردانید و گفت اسامی شما را در کرت‌نامه خواهم نوشت تا بعد از ما باز گویند که ...» (سیفی، ۱۳۵۲: ۴۵۴).

از فرمان ملک فخرالدین در باب سرایش کرت‌نامه به ربیعی بر می‌آید که ملک پس از به تخت نشستن چنین دستوری صادر کرده است. لذا سال ۶۹۵ ق. را به عنوان سال آغاز سرایش کرت‌نامه می‌توان مطرح کرد و با این حساب شش سالی که ربیعی شهریه دریافت می‌کرده، سال‌های ۶۹۵ تا ۷۰۱ ق. بوده است.

برای ما روشن نیست که کرت‌نامه چه وقت و چگونه از میان رفته است. از آنجا که سیفی هروی از این کتاب استفاده بسیار کرده و حتی خوانندگان را به آن ارجاع می‌دهد (همان: ۳۹۱)، می‌توان دانست که بدون شک کرت‌نامه تا زمان نگارش تاریخ‌نامه هرات (۷۲۱ ق.) موجود و در دسترس بوده است. مصحح روضات الجنات معتقد است که این اثر در سده نهم نیز در دسترس تاریخ‌نویسان هرات قرار داشته است (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲۶۷/۱). مایل هروی نیز کرت‌نامه را از منابع اسفزاری معرفی و احتمال از میان رفتن آن را پس از قرن نهم مطرح کرده است^۸ (ابونصری هروی، ۱۳۴۷: ۱۰۰). مشخص نیست بر چه اساسی چنین ادعایی از سوی این دسته از پژوهشگران مطرح شده است. واقعیت آن است که در آثار تاریخ‌نویسان هرات افزون بر آنچه سیفی از کرت‌نامه آورده، مطلبی موجود نیست و این امر این فرضیه را تقویت می‌کند که کتاب در فاصله نیمه سده هشتم تا اوایل قرن نهم از میان رفته است. نزدیک‌ترین این تاریخ‌نویسان به عهد کرت‌نامه و سراینده‌اش، در جایی بیتی به نام ربیعی نقل کرده^۹ (حافظ ابرو، ۱۳۸۹: ۱۰۱) که در تاریخ‌نامه هرات به نام دقیقی بلخی آمده است (سیفی، ۱۳۵۲: ۴۴۰). چرایی و چگونگی از بین رفتن کتاب در جایی ذکر نشده است.

به نظر می‌رسد که زندانی شدن و سپس مرگ نویسنده در حالی که سرایش اثر ناتمام بود و همچنین ناخرسندی دستگاه حاکم از ربیعی، عوامل عمده عدم انتشار کرت‌نامه و در نتیجه از میان رفتن این اثر بوده باشد. اما شواهدی در دست نیست که از تلاش جدی ملوک کرت برای امحای کتاب حکایت کند. این از آن پیداست که حتی سیفی در تاریخ‌نامه‌اش که به ملک غیاث‌الدین برادر ملک فخرالدین تقدیم کرده، مقدار قابل توجهی از ابیات این مثنوی را نقل کرده است.

ساختار کتاب

ملک فخرالدین که دستور سرودن کرت‌نامه را به ربیعی داد، از شاعر دربار خویش توقع مثنوی‌ای با چنین محتوا و گستره‌ای داشته است:

«...که حکایات و سرگذشت جلدان و پدران بزرگوار مرا و سیر و خصال و قتل و نهب و بسط و قبض هر یک را و قصص دریند افتادن و ماندن در آن هفت‌سال و حرب‌ها که با اعدای مُلک کرده‌ام و تمرّد و تکبر من که هیچ پادشاهی را منقاد نگشتم، از جزویات و کلیات علی‌التفصیل بر نهج شاهنامه در نظم آر» (سیفی، ۱۳۵۰: ۴۴۹-۴۴۸).

از حکم بالا چنین برداشت می‌شود که کرت‌نامه افزون بر شرح تفصیلی رویدادهای زندگی ملک فخرالدین و فعالیت‌های پدران فرمانروای او که از عزالدین عمر و تاج‌الدین عثمان مرغنی آغاز می‌شود، شامل داستان زندگی، هفت‌سال زندان، چگونگی بندگستن و سال‌های حکومت و جنگ‌های این ملک با دشمنانش بوده است. عزالدین عمر و برادرش تاج‌الدین عثمان مرغنی از بنی اعمام سلطان غیاث‌الدین محمد بن سام غوری (۵۹۹-۵۵۸ ق.) بودند. عزالدین عمر چندی سمت وزارت سلطان غیاث‌الدین را بر عهده داشت (همان: ۱۴۱).

در دوره غوری‌ها، فخرالدین مبارک‌شاه مروودی (ف. ۶۰۲ ق.) نسب‌نامه سلاطین غور را از آغاز تا زمان سلطان غیاث‌الدین محمد سام به سلک نظم در آورد و به این پادشاه تقدیم کرد (جوزجانی، ۱۳۴۴: ۳۱۹/۱-۳۱۸). به نظر می‌رسد ملک فخرالدین، با دیدن آن کتاب و یا اطلاع از آن، ربیعی را به سرایش اثری درباره نسب و تاریخ ملوک کرت فرمان داده است.

سیفی در جایی (۱۳۵۰: ۳۹۱) به اجرای قسمتی از فرمان ملک فخرالدین اشاره می‌کند که او قصه سال‌های زندان ملک با طایفه‌ای از خواص و اتراب را در قلعه خیسار و علل آن، به شرح و بسط تمام در کرت‌نامه آورده بود.^{۱۰} سال ۶۹۳ ق. بنا به گفته سیفی (همان)، سال آزادی ملک فخرالدین از قلعه خیسار است و سال‌های ۶۸۶ تا ۶۹۳ ق. را می‌توان به‌عنوان چشم‌پندهای شاعر از کانونی‌ترین مباحث کرت‌نامه قلمداد کرد. با توجه به فرمان ملک فخرالدین و گفته سیفی هروی، تمرکز کرت‌نامه می‌بایست بر فاصله زمانی سال‌های ۶۴۳ ق. (بنیان‌گذاری آل کرت) تا ۶۹۹ ق. (سال ختم نقل ابیات کرت‌نامه در تاریخ‌نامه) بوده باشد و به همین مناسبت است که از مجموع نقل

قول‌هایی که سیفی از این کتاب داشته، ابیات نقل شده در ذکرهای مرتبط با همین سال‌ها بیشترین پیوستگی را با متن دارند؛ به‌عنوان مثال تنها در حکایات ملک شمس‌الدین کرت و شاهزاده براق و پادشاه اباقا که در همین سال‌ها اتفاق افتاده، ۳۴ بیت از *کرت‌نامه* نقل شده است (همان: ۳۲۹-۳۰۳).

برخی از پژوهشگران معتقدند سیفی در نیمه نخست کتاب خویش، قضایا را از روی مثنوی *کرت‌نامه* درج کرده است (همان: ۷ «مقدمه»؛ ابو نصری هروی، ۱۳۴۷: ۱۱۲-۱۱۱). اما باید دانست که *کرت‌نامه* تنها منبع نویسنده *تاریخ‌نامه* نبوده است، او در مواضع مختلف کتاب، منابع کتبی و شفاهی خویش را با عبارتهایی از این قبیل معرفی کرده است: «در تواریخ متقدمان مسطور مذکور دیدم» (همان: ۴۹)، «در *تاریخ علایی*» (همان: ۵۷)، «در *تاریخ جهانگشا*» (همان: ۵۸)، «در *اخلاق خانی*» (همان: ۹۵) «و از ... شنودم که ایشان گفتند که ما از پدران خویش که در وقت شاهزاده تولی خان در هرات بوده‌اند چنین سماع داریم که ...» (همان: ۷۰). اما سیفی هیچ‌گاه *کرت‌نامه* را به عنوان منبع خویش معرفی نکرده است. او ذکر اول کتابش را با نقل قولی از *تاریخ‌نامه هرات* عبدالرحمن فامی (۵۴۶-۴۷۲ ق.) می‌آغازد که او از پیران و راویان ثقه شنوده بوده که در خراسان اول شهری که بنا شد خطه پوشنگ بوده است و آن‌گاه هفت بیت از ربیعی در همین مضمون آورده است (همان: ۲۵) که می‌نماید *تاریخ‌نامه هرات* فامی یکی از منابع *کرت‌نامه* بوده است. از آنجا که اثر فامی نیز به سرنوشت *کرت‌نامه* دچار شده است، آوردن مؤیداتی دیگر در این زمینه دشوار است. در سال ۱۳۸۷ خورشیدی دست‌نویس ناقصی با نام *تاریخ هرات* در تهران منتشر شد که کوشندگان، مؤلف آن را به احتمال عبدالرحمن فامی شناسانیده‌اند. پذیرش فامی به عنوان نویسنده این اثر مورد تردید است (سلامی، ۱۳۹۰: ۵۸) و با فرض پذیرش نیز امکان مقایسه میان این اثر و ابیات بازمانده از *کرت‌نامه* موجود نیست؛ زیرا دست‌نویس موصوف به تاریخ سده‌های نخستین پس از اسلام می‌پردازد و ابیات بازمانده *کرت‌نامه* سده هفتم به بعد را شامل می‌شود.

از مجموع ۲۶۸ بیت *کرت‌نامه* در *تاریخ‌نامه هرات*، ۱۶۶ بیت تا سال ۶۹۸ ق. قدم به قدم به ترتیب وقایع در *تاریخ‌نامه* ثبت شده است. از این میان ۲۸ بیت در ارتباط با حوادث پیش از تأسیس حکومت کرت‌هاست و ۱۰۲ بیت *کرت‌نامه*، همگام با حوادث پس از مرگ ربیعی در سال ۷۰۲ ق.

آمده است. این دسته از ابیات که از جای جای کرت‌نامه گزینش شده، بیشتر برای سیفی کارکردهای بلاغی داشته است.

ابیات کرت‌نامه با ذکر هفت بیت از داستان بنای پوشنگ و توصیف آن شهر آغاز می‌شود (سیفی، ۱۳۵۲: ۲۵). مصحح تاریخ‌نامه بر این باور است که در کرت‌نامه، داستان بنیاد شهر هرات و دیگر شهرهای خراسان نیز موجود بوده است (همان: ۷ «مقدمه»). این دیدگاه با سخن سیفی نیز که به سنت تاریخ‌نگاری آن روزگار خراسان اشاره کرده تأیید می‌شود^{۱۱} (همان: ۵۷). از دیگر مباحث و موضوعات کرت‌نامه پس از روایت بنای شهر پوشنگ و احتمالاً هرات هیچ اطلاعی نداریم؛ جز آن که می‌توانیم از روی دیگر تواریخ خراسان حدس و گمان‌هایی در این خصوص مطرح کنیم که دارای بخش‌هایی در وجوه تسمیه هرات، فضیلت خراسان و این شهر، چگونگی فتح آن توسط مسلمین و ... بوده است.

سیفی بلافاصله بعد از بیان هشت وجه بنای هرات به سراغ حوادث خراسان در زمان حمله تولی پسر چنگیز رفته است. وی نیز جز مورد نخستین که ذکر کردیم، ابیات برگزیده خود را از همین بخش کرت‌نامه آغاز کرده است و اینجاست که این پرسش به ذهن خطور می‌کند که آیا کرت‌نامه نیز از همین قسمت آغاز شده بوده و یا این که تاریخ سلسله‌های حاکم بر هرات پیش از حمله مغول را نیز شامل می‌شده است. به هر روی، سیفی گاه ابیاتی از کرت‌نامه را نقل می‌کند که استناد و تأییدی بر سخن او و زمانی ادامه‌دهنده کلام به ترتیب وقوع حوادث است. این ابیات بیشتر شامل نامه‌ها و مکاتیب، نقل قول‌ها، وصیت‌ها، هدیه‌ها و توصیف آمادگی برای نبرد و تصویر میداین جنگ و تهدید و تخویف رقیبان و ... است؛ به‌عنوان مثال:

«امیر نوروز روز دیگر برادر خود امیر حاجی را پیش خواند و نویسنده خاص را گفت تا مکتوبی

نویسد:

بفرمود تا برد پیشش دبیر	سیاهی و کاغذ ز مشک و حریر
یکی نامه بنوشت بس دلپسند	پراز لابه و مکر و نیرنگ و بند
نخستین خطش آفرین خدای	که هست آفریننده هوش و رای
خداوند جان و روان آفرین	که کردن مر او را توان آفرین

توانا و دانا و پاک و بلند
 به هر کار فیروزی و دست از اوست
 برون از سپهر و زمین و زمان
 فزون از همو و همین و همان»
 (همان: ۳۹۳)

«بعد از سپاس بی‌قیاس و ثنای بی‌منتهای حضرت واجب‌الوجود تعالی و تعظیم، این نامه‌ای است که در کتابت آمد از نوروز به ملک شمس‌الدین کرت در معانی آن که چنین شنودم که پسر تو ملک فخرالدین بند شکسته است و پناه به قلعه بالاین خیسار برده. به موجب حدیث صحیح رسول عربی علیه افضل الصلوات که تشفعوا توجروا، برادر اعز حاجی را تا جهت خاطر من از سر جرم او درگذرد و او را به جان امان دهد.

ایا نامور شاه با دسترس
 که بیرون کنی رنجش از سینه تو
 ز بالا چو نزدیکت آید همی
 که تا مرز ایران گذارم بدو
 به فیروزی پاک پروردگار
 پذیرم سپاس فراوان ز تو
 امید من از دادت این است و بس
 نجویی از آن شیردل کینه تو
 بر من فرستاده باید همی
 همه گنج و لشکر سپارم بدو
 که دارم گرامیش فرزندگان
 نباشد دریغم تن و جان ز تو»
 (همان: ۳۹۴)

یا در ذکر هفتاد و هفتم که داستان رهایی ملک فخرالدین از قلعه خیسار است، چون به او می‌گویند که اکنون به ضمانت امیر نوروز می‌توانی که از قلعه بیرون آیی، ملک در جواب می‌گوید:
 به پاسخ چنین گفت کایدون کنم
 و لیکن فرومانده‌ام چون کنم
 همی ترسم از باب و از خشم او
 که افتاده‌ام دور از چشم او»
 (همان: ۳۹۷)

بدون تردید این موضع از همان رویدادهایی است که ربیعی در سال‌هایی که در رکاب شاعر در قلعه خیسار به سر می‌برد، به چشم خویش دیده بود. سیفی نیز برای گزارش این سال‌ها هیچ منبعی موثق‌تر از کرت‌نامه نمی‌توانسته بیابد.

اشعار کرت‌نامه در تاریخ‌نامه هرات برای سیفی کارکردهای متفاوتی داشته است که ما آن‌ها را جهت آشنایی بیشتر به ۵ دسته تقسیم کرده‌ایم:

۱- اشعاری که بیشتر نقش شوربخشیدن به کلام را به عهده دارند تا این که به‌عنوان منبع و سند به کار رفته باشند. سیفی به منظور زنده‌نگهداشتن فضای حماسه در تاریخ‌نامه‌اش از بسیاری دیگر از حماسه‌سرایان فارسی‌زبان نظیر فردوسی، دقیقی، اسدی طوسی، نظامی گنجوی، عنصری و برخی از شاعران عرب نیز شعر نقل کرده است. این اشعار بیشتر در توصیف میدان نبرد (همان: ۲۱۸، ۲۷۲، ۳۱۰، ۳۲۹، ۴۱۶، ۴۳۷، ۶۵۴)، قدرت سپاه و آمادگی برای جنگ (همان: ۱۸۶، ۳۷۰، ۶۰۷، ۶۹۰)، هدیه‌ها و نواخت‌ها (همان: ۱۷۱، ۵۸۲، ۶۲۰)، آراستگی شهر برای استقبال (همان: ۶۲۵-۶۲۴)، بارگاه (همان: ۱۹۳)، وعده مال (همان: ۲۹۳، ۳۰۷، ۳۱۲، ۴۰۲، ۶۹۲، ۶۹۳)، تهدید و تخویف رقیبان (همان: ۱۹۷، ۳۱۸، ۴۶۵-۴۶۴، ۶۷۵)، اطاعت دستورات ملک (همان: ۷۲۱) و غیره است.

در تمامی موارد بالا هیچ‌گاه اسم شخصیتی از داستان برده نشده است؛ جز یک مورد که همگام با سیر تاریخی یک داستان در تاریخ‌نامه هرات، اسم شخص مورد نظر در کرت‌نامه نیز آمده است: سراسر به فرمان و رای دوا جهانگیر کین تـوز و فرمانروا (همان: ۴۱۶)

توصیف صحنه نبرد:

ز هر سو برآمد همی دار و گیر	روان شد چپ و راست شمشیر و تیر
ندانست یک تن نشیب و فراز	نه بیگانه از آشنا نیز باز
تو از ابر گفتی به جای تگرگ	بجوشید خون و بیارید مرگ
به گرز گران و به شمشیر تیز	شب تیره پیدا شده رستخیز
چپ و راست گشته ز دریای خون	سواران جنگی ز زین‌ها نگون
سر سرکشان دور مانده ز تن	پراکنده در خاک و خون بی‌کفن

(همان: ۵۰۸)

۲- برخی از اشعار، بیان‌کننده عواطف و رفتارهای آدمی چون ندامت (همان: ۲۸۲ و ۳۰۳)، اندوه (همان: ۴۲۹-۴۲۸)، سپاسگزاری (همان: ۵۹۱)، خشم (همان: ۷۶ و ۶۴۹)، شرمساری و طلب بخشایش

(همان: ۷۶۴)، شادی (همان: ۱۳۳ و ۵۵۲)، تکبر (همان: ۵۱۵)، اضطراب (همان: ۱۹۴) پذیرش قسمت و تقدیر (همان: ۳۳۷) و ... هستند که این گونه ابیات را می توان برای رویدادهای مشابه به کار برد و به نظر می رسد که سیفی نیز چنین استفاده ای از این ابیات کرده است؛ مانند:

شادی و خوشی:

وزان پس چنین گفت با انجمن	بخندید مانند گل در چمن
به خوشی درون زندگانی کنید	که یکسر همه کامرانی کنید
بداندیش را تیره شد مغز و هوش	که از گردش گنبد سبزه پوش

(همان: ۱۳۳)

خشم و غضب:

رسانم به بدخواه رنج و گزند	گرم زندگانی بود روز چند
گر ایدونگ باشد همه پور زال	بدرم به خنجر دل بدسگال

(همان: ۷۶)

۳- برخی ابیات دیگر به ستایش شاه (همان: ۴۰۷، ۶۶۶ و ۶۶۷) و توصیف ویژگی های مثبت و منفی افراد چون دینداری، بخشندگی و دادگستری (همان: ۳۷۶) و زشت خویی (همان: ۱۱۸) پرداخته اند. در این قسمت نیز هیچ نامی از فرد مشخصی برده نشده است و به نظر می رسد که سیفی عمداً به جهت استفاده عام از این ابیات، نخواست که از فردی خاص نام برده شود.

زشت خویی:

برون از ره دین و بس ناسپاس	نه دانش پژوه و نه دانشناس
به فرسنگ ها دور از موبدی	سرشته همه خوی او در بدی
وز او زبردستان به رنج و نیاز	از او ناکسان در بزرگی و نیاز

(همان: ۱۱۸)

دینداری:

به درگاه یزدان پناه آوریم	بیایید تا رو به راه آوریم
نه از پنجه و زور و بازوی خویش	ز دادار جویم نیروی خویش

(همان: ۵۸۹)

۴- دسته‌ای از ابیات به منظور تعیین وقت و زمان‌هایی مانند صبح (همان: ۶۴، ۲۸۷، ۶۹۸ و ۷۱۲)، شب (همان: ۴۳۶ و ۶۷۱)، بهار (همان: ۵۹۷-۵۹۶) و ... نقل شده‌اند. این بیت‌ها نیز لزوماً ناظر به رویدادی که در ضمن آن درج شده‌اند، نیست و سیفی از آن‌ها استفاده هنری کرده است.

صبح:

گریزانه شد شب سوی خاوران پسش تیغ‌زن خور چو جنگاوران
(همان: ۲۸۷)

که خورشید تابنده بنمود چهر شد از روشنائیش روشن سپهر
(همان: ۶۹۸)

بهار:

به برج حمل مهر بنمود چهر زمین گشت آراسته چون سپهر
هوا بوی مشک تناری گرفت زمین یکسر ابر بهاری گرفت
تو از ابر گفتی به جای تگرگ بجوشید خون و بیارید مرگ
همه باغ و گلزار و بستان و کشت شد از خرمی جان‌فزا چون بهشت
گل و لاله و نرگس و ارغوان برآورد بار دگر بوستان
سر سرو آزاد بالا گرفت میان چمن بلبل آوا گرفت
درخشید لاله بسان چراغ همه بوی مشک آمد از باغ و راغ
(همان: ۵۹۷-۵۹۶)

۵- بخشی دیگر از ابیات شامل توصیف‌های کلی جغرافیایی چون خرابی و ویرانی شهر (همان: ۹۱ و ۶۸۹)، بلندی و حصانت حصار (همان: ۱۴۵، ۲۲۵، ۶۵۷)، ژرفا و پهنای دریا (همان: ۲۵۴) و ... است و در هیچ موردی از این وصف‌ها، نامی از مکان جغرافیایی مشخصی برده نشده است.

خرابی شهر:

ز هر گونه آوای شیر ژیان همی رفت بالاتر از آسمان
به هر گام گفتی یکی اهرمن کمین کرده از بهر خون ریختن

به شهر اندرون از نشیب و فراز همه گرگ بود و گوزن و گراز
(همان: ۹۱)

حصانت قلعه:

سرش بر سماک و تهش بر فلک نگهبان او هم فلک هم مَلک
(همان: ۱۴۵)

استفاده بسیار سیفی هروی از اشعار کُرت‌نامه در لابلای تاریخ‌نامه هرات بدون شک حاکی از علاقه این نویسنده به ربیعی و منظومه اوست. سیفی بدین طریق توانست از نابودی کامل این اثر ارجمند جلوگیری کند و به این ترتیب کمکی ارزنده به پژوهش‌های حماسه‌سرایی در خراسان بزرگ انجام دهد. با توجه به قوت و روانی اشعار بازمانده از کُرت‌نامه و ستایش شعر ربیعی توسط پژوهشگران، امیدواریم روزی نسختی از این کتاب مفقود به دست آید و بر غنای ادب حماسی فارسی افزوده شود.

نتیجه

با توجه به ایبات بازمانده از کُرت‌نامه در تاریخ‌نامه هرات و سخنان تذکره‌نویسان و تاریخ‌نگاران، به نظر می‌رسد که ربیعی موفق به تکمیل کُرت‌نامه نشده است. ساختار کتاب او بدین شرح است که وی همچون دیگر تواریخ هرات، کتاب خویش را از روایت نخستین شهری که در خراسان بنا شد آغاز کرده و سپس به داستان بنای هرات، فضیلت و وجه تسمیه آن پرداخته است. او طبق فرمان ملک فخرالدین کُرت، پس از گذر شتابناک از چند سده نخستین هجری کار خویش را از حکومت غوری‌ها و وزیر ممالک و نایب کل سلطان غیاث‌الدین، عزالدین عمر و برادرش تاج‌الدین عثمان مرغنی که نسب کُرت‌ها به آنان می‌رسد پی گرفته است. سپس به حمله مغول‌ها به هرات و دفاع مردم این شهر و وقایع پس از آن پرداخته و به صورت مفصل حکایات، خصال و اوصاف، فتوحات، شکست‌ها و سرگذشت‌های ملوک کُرت را از نخستین آن‌ها که ملک شمس‌الدین مهین (۶۴۳ق.) بوده تا ملک فخرالدین در اثر خویش بیان کرده است. او از آنجا که ندیم ملک فخرالدین در سال‌های زندان او بود، با شرح و بسط جزئیات، به بیان وقایع و قصصی پرداخت که در طول ۷ سال زندان ملک فخرالدین در حصار خیسه غور اتفاق افتاده بود. این

قسمت کانونی‌ترین مبحث کرت‌نامه به حساب می‌آید. ربیعی وقایع را از به تخت نشستن این پادشاه در سال ۶۹۵ ق. ادامه داده و به حرب‌ها و کشمکش‌های این ملک با دشمنانش پرداخته، رویدادها را تا سال ۶۹۹ ق. در کرت‌نامه ذکر کرده است.

یادداشت‌ها

۱- برخی از پژوهشگران کرت را به فتح و گروهی به ضمّ نخست خوانده‌اند، اما به نظر می‌رسد که قرائت مضموم آن مرجح است. (رک: صدیقی، ۱۳۵۵: ۱۴-۹).

۲- این گزارش کوتاه صفا دارای سه اشتباه مسلم تاریخی است:

الف) ربیعی یکی از رجال قرن هشتم و کار اصلی او خطابت در فوشنج خوانده شده؛ در حالی که ربیعی به سال ۷۰۲ ق. درگذشت و او در قرن هفتم می‌زیسته است و دیگر این که صدرالدین ربیعی به گواهی تاریخ‌نامه هرات فرزند خطیب فوشنج بوده است.

ب) مدت زمان حکمروایی ملک فخرالدین یک سال و در فاصله ۷۰۵ تا ۷۰۶ ق. دانسته شده که صحیح نیست. او از ۶۹۵ تا ۷۰۶ ق. یعنی یازده سال حکومت کرد.

ج) سیفی هروی مورخ مشهور اوایل قرن هفتم خوانده شده؛ در حالی که او به سال ۶۸۱ ق. در هرات زاده شده و تاریخش را در فاصله سال‌های ۷۱۸ تا ۷۲۱ ق. نگاشته است.

۳- گویا اعتمادی در پانویس یکی از مقالات خویش نوشته: «در رساله ملوک کرت در ضمن شرح حال ربیعی، ابیات کرت‌نامه او را از تاریخ منحصر به فرد سیفی نقل کرده‌ام و هم شرح حال او را نسبتاً مفصل نوشته‌ام» (گویا اعتمادی، ۱۳۲۲: ۵۶). به نظر می‌رسد وی موفق به انتشار این رساله نشده است.

۴- تا جایی که بررسی شد، به نظر می‌رسد تنها دو منبع از این کتاب و سراینده آن یاد کرده‌اند؛ حاجی خلیفه در یک سطر کتاب را معرفی کرده است: «کرت‌نامه: فارسی منظوم، نظمه ربیعی شاعر من شعرا عصر فخرالدین من ملوک کرت نظمه علی وزن شهنامه» (حاجی خلیفه، ۱۹۴۳: ۲/۴۷۴) و حسن بن لطف‌الله طهرانی رازی در تذکره میخانه یا خرابات (۱۰۴۰ ق.) در قسمت شعرای فارسی

به ابن خطیب پوشنگی پرداخته است (گلچین معانی، ۱۳۶۳: ۳۲۵/۲). این تذکره تا کنون منتشر نشده است.

۵- سیفی در بسیاری موارد، از ربیعی با عنوان «خطیب فوشنجی یا فوشنج» (سیفی، ۱۳۵۲: ۳۹۱ و ۴۴۷) یاد کرده و در مواردی با اختصار او را «خطیب» خوانده است (همان: ۴۵۰ و ۴۵۱ و ۴۵۶).

۶- سی و یک رفت ز عمرم غرض از حرمتشان/ هفده در خدمت تو، چارده در بیت حرم (فصیحی خوفاقی، ۱۳۸۶: ۸۱۷/۲). فکری با توجه به همین بیت، حدس زده است که ربیعی در خدای‌خانه (موضعی در رباطی فوشنج) به دنیا آمده است (فکری، ۱۳۶۲: ۸۰).

۷- امیر نوروز کسی است که به وساطت و ضمانت‌نامه وی، ملک فخرالدین از حبس پدر رها شد. این امیر پس از آن که ملک را به هرات آورد، دختر خویش را به او داد و از پادشاه مغول فرمان حکومت هرات را برای وی به دست آورد. پس از چندی که امیر نوروز با غازان خان به مخالفت برخاست، از نزد خان گریخت و دلگرم به حمایت ملک فخرالدین به خراسان آمد. در تعقیب و گریزهایی که توسط سپاهیان غازان صورت گرفت، در همان ابتدا ملک فخرالدین از اردوی وی جدا شد و به هرات رفت. امیرنوروز در یکی دو جنگ دیگر هم شکست خورد و سرانجام باز به ملک فخرالدین در هرات پناه برد. اما ملک خیانت ورزید و حامی و هم‌پیمان قدیم خود را با نیرنگ دستگیر کرد، نزدیکان و افراد او را به قتل رسانید و امیر را به سپاهیان غازان سپرد و آنان نیز بی‌درنگ او را از میان بردند (سیفی، ۱۳۵۰: ۴۲۹-۴۲۱).

۸- علی اصغر حکمت مترجم تاریخ ادبی ایران نوشته ادوارد براون در ذیل یادکرد نویسنده از کرت‌نامه و ربیعی نوشته است: «نسخه‌ای از این کتاب نایاب در کتابخانه سرور گویا اعتمادی در کابل موجود است» (براون، ۱۳۵۷/۲۵۳۷: ۱۹۵/۳). به نظر می‌رسد که وی در این خصوص دچار سهو شده و این کتاب را با تاریخ‌نامه هرات سیفی اشتباه گرفته است.

۹- و شهر هرات به عهد دولت ملک فخرالدین در غایت استواری رسید چنانچه ربیعی که در آن تاریخ ملازم ملک فخرالدین بوده است در صفت بلندی آن گفته است:

چنان بند شد برج و باروی او / که پرنده را ره نبد سوی او؛ مصرع نخست در تاریخ‌نامه هرات به صورت «چنان تند...» آمده است.

۱۰- «... ملک شمس‌الدین، ملک فخرالدین را به واسطه رنجشی و ترک ادبی در قلعه خیسار دربند کرده بود تا هفت‌سال با طایفه‌ای از خواص و اتراب و این قصه را خطیب فوشنچی که او را ربیعی خوانند در کتاب *کرت‌نامه* به شرح و بسط تمام آورده و اگر کسی خواهد که بر کیفیت آن عالم و مطلع شود، او را رجوع بدان کتاب باید کرد» (سیفی، ۱۳۵۲: ۳۹۱).

۱۱- «... اما بنده مؤلف این کتاب چند کتب در تواریخ احوال خراسان مطالعه کرد در همه مسطور دید که هر یک از مصنفان و مؤلفان در باز نمودن تواریخ شهر خود تطویل تمام و شرح و بسط عظیم به جای آورده بودند و تواریخ شهر هرات را به رمزی بسنده کرده ...» (سیفی، ۱۳۵۰: ۵۷).

کتابنامه

ابو نصری هروی، قاسم بن یوسف. (۱۳۴۷). *طریق قسمت آب قلب*. تصحیح رضا مایل هروی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

اسفزاری، معین‌الدین. (۳۹-۱۳۳۸). *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*. به تصحیح محمد کاظم امام. ج ۱ و ۲. تهران: دانشگاه تهران.

اقبال، عباس. (۱۳۱۲). «ربیعی پوشنگی». *مجله مهر*. س ۱، ش ۳، صص ۱۷۸-۱۶۹.

براون، ادوارد. (۱۳۵۷/۲۵۳۷). *تاریخ ادبی ایران*. ترجمه علی اصغر حکمت. ج ۳. تهران: امیرکبیر. چاپ چهارم.

بهار، محمد تقی. (۱۳۰۴). «صدرالدین ربیعی». *مجله ارمغان*. س ۶، ش ۱. صص ۴۰-۲۵.

الجاجرمی، محمد بن بدر. (۱۳۳۷). *مونس الاحرار فی دقائق الاشعار*. به اهتمام میر صالح طیبی. ج ۱، تهران: چاپ اتحاد.

جوزجانی، منہاج سراج. (۱۳۴۲). *طبقات ناصری*. تصحیح عبدالحی حبیبی. کابل: انجمن تاریخ افغانستان.

حاجی خلیفه. (۱۹۴۳). *کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون*. تصحیح محمد شرف‌الدین. ج ۲. استانبول: وكالة المعارف.

حافظ ابرو، غیاث‌الدین. (۱۳۸۹). *تاریخ سلاطین کرت*. تصحیح میرهاشم محدث. تهران: میراث مکتوب.

حبیبی، عبدالحی. (۱۳۲۵). «ربیعی پوشنگی». *مجله آریانا*. س ۵، ش ۱۲، صص ۷-۱.

خواندمیر، غیاث‌الدین ابن همام‌الدین. (۱۳۵۳). *حبیب السیر فی اخبار افراد البشر*. تصحیح محمد دبیرسیاقی. ج ۳. تهران: خیام. چاپ دوم.

رزمجو، حسین. (۱۳۸۱). *قلمرو ادبیات حماسی ایران*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
سلامی، حسین بن احمد. (۱۳۹۰). *اخبار ولای خراسان*. پژوهش و بازسازی محمدعلی کاظم‌بیگی. تهران: میراث مکتوب.

سیفی هروی، سیف ابن محمد. (۱۳۵۲). *تاریخ‌نامه هرات*. تصحیح محمد زبیر الصدیقی. تهران: کتاب‌فروشی خیام. چاپ دوم.

صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۲۰). *حماسه‌سرایی در ایران*. تهران: امیرکبیر.

صدیقی، جلال‌الدین. (۱۳۵۵). «اصل و نسب و وجه تسمیه آل کرت هرات». *ادب*. س ۲۴، ش ۱، صص ۹-۱۴.

فامی هروی، عبدالرحمن. (۱۳۸۷). *تاریخ هرات*. به کوشش محمدحسن حسینی و محمدرضا ابوئی مهریزی. تهران: میراث مکتوب.

فصیحی خوافی، احمد ابن محمد. (۱۳۸۶). *مجمعل فصیحی*. تصحیح سید محسن ناجی نصرآبادی. ج ۲. تهران: اساطیر.

فکری سلجوقی، عبدالرئوف. (۱۳۶۲). *بخشی از تاریخ هرات باستان*. به کوشش مسعود رجایی (به جای مجله هرات باستان، س ۵، ش ۱). کابل: انجمن تاریخ افغانستان.
_____ . (۱۳۴۳). *خیابان*. کابل: انجمن جامی.

گلچین معانی، احمد. (۱۳۶۳). *تاریخ تذکره‌های فارسی*. ج ۲. تهران: کتابخانه سنایی.

گویا اعتمادی، سرور. (۱۳۲۲). «شعرای دربار ملوک کرت». *مجله آریانا*. س ۲، ش ۵، صص ۵۶-۵۲.

میرخواند، محمد بن خاوند شاه. (۱۳۷۵). *تاریخ روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفاء*. تهذیب و تلخیص عباس زریاب. ج ۴ و ۵ و ۶. تهران: علمی.